

رابطه‌ی بین پذیرش هنجارهای جنسیتی و تجربه‌ی مزاحمت‌های خیابانی:

## مطالعه‌ی موردی دانشجویان دختر دانشگاه شیراز

دکتر عبدالعلی لهسایی‌زاده<sup>۱</sup>  
اله‌ام بیوسفی‌نژاد<sup>۲</sup>

### چکیده

مزاحمت خیابانی یکی از اشکال ممنوع تبعیض جنسی شامل رفتارهای کلامی و غیر کلامی مثل سوت زدن، چشمک زدن، چشم‌چرانی کردن، چنگ زدن، نیشگون گرفتن، هو کردن و متلک گفتن است که به ندرت مورد توجه محققان علوم اجتماعی قرار گرفته است. پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه‌ی بین پذیرش هنجارهای جنسیتی و میزان تجربه‌ی زنان از مزاحمت‌های خیابانی صورت گرفته و با استفاده از تکنیک پیمایش بر روی یک نمونه‌ی ۳۶۹ نفری از دانشجویان دختر دانشگاه شیراز که از طریق نمونه‌گیری طبقه بندی انتخاب شده‌اند انجام شده است. نتایج حاصل از تحلیل مسیر و رگرسیون گام به گام حاکی از این است که نوع پوشش، نوع آرایش به عنوان ۲ شاخص پذیرش هنجارهای جنسیتی بیشترین تاثیر را بر میزان تجربه‌ی مزاحمت خیابانی دارند.

### واژگان کلیدی:

مزاحمت خیابانی، هنجارهای جنسیتی، پوشش، آرایش، زنان.

۱- استاد جامعه شناسی دانشگاه شیراز: lahssaei@rose.shirazu.ac.ir

۲- کارشناسی ارشد جامعه شناسی: riraelham@yahoo.com

## مقدمه

قربانی شدن و آزار زنان توسط مردان یکی از تبعات نابرابری بین زن و مرد است که عوارض ناشی از آن مشکلات فراوانی را برای جامعه ایجاد می‌کند. یکی از انواع آزار و اذیت‌هایی که زنان در جوامع مختلف به اشکال متفاوت با آن مواجه هستند "مزاحمت خیابانی"<sup>۱</sup> است. این نوع مزاحمت که به "مزاحمت غریبه‌ها"<sup>۲</sup>، "مزاحمت در عرصه‌ی عمومی"<sup>۳</sup> و "مزاحمت جنسی"<sup>۴</sup> معروف است، عموماً از دید دانشگاهیان، قضات و قانون‌گذاران به عنوان مسئله‌ای که نیاز به پژوهش و پوشش قانونی دارد دور مانده است. این در حالی است که مزاحمت‌های جنسی در تمام محیط‌ها به ویژه مکان‌های عمومی زنان را آزار می‌دهد و از حضور فعال، همه جانبه و آزادانه‌ی آنها در عرصه‌ی عمومی که باعث رشد شخصیت و ایجاد اعتماد به نفس برای انسان است جلوگیری می‌کند.

بومن<sup>۵</sup> (۱۹۹۳) در تعریف مزاحمت خیابانی می‌نویسد: رفتارهای زیادی هستند که در حیطه‌ی مزاحمت خیابانی قرار می‌گیرند. مزاحمت جنسی غریبه‌ها شامل رفتارهای کلامی و غیرکلامی مثل سوت زدن، چشمک زدن، چشم‌چرانی کردن، نیشگون گرفتن، لمس کردن بدن، هو کردن و اظهارات خیابانی می‌شوند. اظهارات خیابانی معمولاً ماهیت جنسی دارند و اظهار نظرهایی هستند درباره‌ی ظاهر فیزیکی زن و یا حضورش در اماکن عمومی.

مزاحمت جنسی ممکن است در کشورهایی که رویکرد نقش جنسیتی سنتی‌تری دارند بیشتر باشد (سیگال و جکوبسن<sup>۶</sup>، ۱۹۹۹: ۷۶۹). جامعه‌ی ایرانی نیز به عنوان جامعه‌ای که سنت وایدئولوژیهای جنسیتی ریشه‌های عمیقی در آن دارند از این قاعده مستثنی نیست.

تحقیق و واکاوی مسئله‌ی مزاحمت خیابانی از دو جهت حائز اهمیت است. اول به این دلیل که مزاحمت خیابانی بنا به نتایج مطالعات بسیاری از محققان (از جمله فرچایلد<sup>۷</sup>، ۲۰۰۷؛ مک میلان و همکاران<sup>۸</sup>، ۲۰۰۰؛ و لنتون و همکاران<sup>۹</sup>، ۱۹۹۹) بسیار شایع‌تر از مزاحمت جنسی در محیط کار و دانشگاه است. یافته‌های تحقیق مک‌میلان و همکاران (۲۰۰۰) حاکی از آن است که ۸۵ درصد از زنان یکی از انواع مزاحمت خیابانی را تجربه کرده‌اند. این در حالی است که درصد زنانی که نوعی از مزاحمت افراد غیرغریبه را تجربه کرده‌اند ۵۱ درصد بوده است. دوم اینکه اثرات منفی مزاحمت خیابانی در سطح فردی و اجتماعی بسیار

<sup>1</sup> - Street Harassment

<sup>2</sup> - Stranger Harassment

<sup>3</sup> - Public Harassment

<sup>4</sup> - Sexual Harassment

<sup>5</sup> - Bowman

<sup>6</sup> - Sigal & Jacobsen

<sup>7</sup> - Fairchild

<sup>8</sup> - MacMillan et al.

<sup>9</sup> - Lenton et al.

گسترده‌تر از مزاحمت جنسی در محیط کار و دانشگاه است. یکی از پیامدهای نامطلوب مزاحمت خیابانی برای کل اجتماع رانده شدن نیمی از جمعیت بالقوه فعال جامعه از عرصه‌ی عمومی به حوزه‌ی خصوصی و درون خانه‌ها است. بومن (۱۹۹۳) در این باره اذعان می‌دارد: مزاحمت خیابانی زنان را از عرصه‌ی عمومی به حوزه‌ی خصوصی و درون خانه‌ها واپس می‌راند، نقش‌ها و کلیشه‌های جنسیتی را تقویت می‌کند و برابری زن و مرد در جامعه را از بین می‌برد. فرچایلد (۲۰۰۷) نیز در این رابطه می‌نویسد: مزاحمت جنسی در حقیقت برای تنبیه کسانی است که از مرزهای سنتی جنسیت پا را فراتر نهاده‌اند. بنابراین مزاحمت جنسی از طریق برخورد با زنان به عنوان یک آلت لذت جنسی منفعل قصد دارد آنان را به خاطر عدول از ایفای نقش‌های سنتی زنانه تنبیه کند. مزاحمت جنسی وسیله‌ای است که با آن نقش‌های جنسیتی و کلیشه‌های جنسیتی در فرهنگ جامعه تقویت می‌شوند. تمام این حقایق به علاوه‌ی "سکوت ادبیات علوم اجتماعی و قانون در برابر مزاحمت خیابانی" (بومن، ۱۹۹۳: ۵۲۲) ضرورت تحقیق و بررسی این پدیده‌ی مخرب اجتماعی را ایجاب می‌کند.

هنجارهای جنسیتی بخشی از کلیشه‌های جنسیتی تجویزی هستند که عقایدی را درباره‌ی اینکه زنان و مردان چگونه باید باشند و رفتار کنند در برمی‌گیرند. حال اگر زنی از این بایدها و نبایدها عدول کند به گونه‌ای خارج از نقشی عمل کرده است که جامعه برای او تجویز نموده است، و بنابراین به احتمال بیشتری مورد مزاحمت خیابانی قرار می‌گیرد. هدف کلی این تحقیق شناسایی رابطه‌ی بین پذیرش هنجارهای جنسیتی و میزان تجربه‌ی مزاحمت خیابانی می‌باشد. اهداف جزئی پژوهش حاضر عبارتند از:

- ۱- بررسی رابطه‌ی بین متغیرهای فرهنگی و میزان تجربه‌ی مزاحمت خیابانی.
- ۲- بررسی رابطه‌ی بین متغیرهای اجتماعی و میزان تجربه‌ی مزاحمت خیابانی
- ۳- بررسی رابطه‌ی بین متغیرهای اجتماعی و میزان پذیرش هنجارهای جنسیتی.
- ۴- بررسی رابطه‌ی بین متغیرهای جمعیت‌شناختی و میزان پذیرش هنجارهای جنسیتی.

### مروری بر پیشینه‌ی تحقیق

ذکائی (۱۳۸۴) پژوهشی کیفی با عنوان "مزاحمت‌های جنسی برای زنان در محیط‌های مختلف" توسط برای سازمان ملی جوانان انجام داده است. این تحقیق حاصل مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ۱۴ دختر و زن ساکن تهران است که همه تجربه‌هایی از مزاحمت جنسی داشته‌اند و بر اساس سن، آگاهی جنسیتی و... متفاوت بوده‌اند. بر اساس این مصاحبه‌ها مزاحمت جنسی در مکان‌های شلوغ از جمله در وسایل نقلیه‌ی عمومی بیشتر است که شامل مزاحمت‌های لمسی یا متلک می‌شود که عکس‌العمل زنان از سکوت گرفته تا قرار دادن کیف و کلاسور به عنوان حائل ویا تذکر دادن را شامل می‌شود و در صورت عدم عیب مردان به فحش و ناسزا می‌انجامد (ذکائی، ۱۳۸۴).

فرچایلد و رودمن<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان "مزاحمت هر روزه افراد غریبه و ابزار انگاری زنان" ادعان می‌دارند که مزاحمت جنسی افراد غریبه پدیده‌ای است که زنان جوان به دفعات آن را در زندگی روزمره‌ی خود تجربه می‌کنند و اثرات نامطلوبی بر سلامت آنها دارد. نخست آنکه مزاحمت جنسی رابطه‌ی مثبت با خود ابزارانگاری زنان دارد. دوم تجربه‌ی مزاحمت جنسی و خود ابزارانگاری رابطه‌ی مثبت با ترس از تجاوز به عنف دارد. علاوه بر این زنانی که از تجاوز به عنف وحشت دارند به احتمال بیشتر آمد و شد خود را محدود می‌کنند.

پاریش و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) در مقاله‌ی "مزاحمت جنسی زنان در محیط‌های شهری چین" با استفاده از داده‌های پیمایش زندگی خانوادگی و سلامت چینی‌ها به تجزیه و تحلیل شیوع و خطرات مزاحمت جنسی در چین در سال ۲۰۰۰ پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که ۱۲/۵ درصد از تمام زنان و ۱۵/۱ درصد از زنان شهری چین نوعی از مزاحمت جنسی را در یک سال قبل از انجام این پژوهش تجربه کرده‌اند. این مقاله با استفاده از رویکرد "فعالیت‌های روزمره"<sup>۳</sup> که از جرم‌شناسی وام گرفته است بر پیش آمدن فرصت، سود پیش بینی شده برای فرد مزاحم و کاهش هزینه‌های مزاحمت برای تبیین این پدیده تأکید می‌کند.

روندا لنتون و همکاران (۱۹۹۹)، در تحقیقی خود با عنوان "مزاحمت جنسی در مکان‌های عمومی: تجربه‌ی زنان آمریکایی"، در پیمایشی که از ۱۹۹۰ زن کانادایی ترتیب داده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که احتمال مزاحمت جنسی در خیابان‌ها بیش از مکان‌های نیمه عمومی مثل مغازه‌ها، رستوران‌ها، تأترها و غیره است، چون در خیابان‌ها رهایی از کنترل اجتماعی رسمی بیشتر است و این مسئله با نظریه‌ی کنترل اجتماعی همسویی دارد. یافته‌های این تحقیق درباره‌ی نتایج و تأثیرات مزاحمت جنسی نیز به طور غیرمستقیم با مدل کنترل اجتماعی همخوانی دارد؛ چرا که بسیاری از زنان در نتیجه‌ی مزاحمت احساس ترس کرده و برای خودداری از روبه‌رو شدن بیش از حد با آن فعالیت‌های خود را محدود نموده‌اند.

### چارچوب نظری پژوهش

در تحقیقات کمی بررسی و تجزیه و تحلیل یک پدیده‌ی اجتماعی بدون پشتوانه‌های نظری آن امکان‌پذیر نیست. چرا که "فرضیه‌ها و سؤالات تحقیق اغلب بر پایه‌ی نظریاتی بنا می‌شوند که محقق در پی آزمون آنها است" (کرسول<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳: ۱۱۹). در چارچوب نظری این نظری این پژوهش از نظریه‌های کنش متقابل، نظریه‌ی کلیشه‌ها و نظریه‌ی جامعه‌پذیری جنسیتی استفاده شده است.

<sup>۱</sup> - Fairchild & Rudman

<sup>۲</sup> - Parish et al.

<sup>۳</sup> - Routine Activities

<sup>۴</sup> - Creswell

## ۱- نظریه‌ی کنش متقابل

یکی از نخستین افرادی که درباره‌ی روابط متقابل در مکان‌های عمومی و نیمه عمومی بحث کرد ارواین گافمن<sup>۱</sup> (۱۹۶۳؛ ۱۹۷۱) بود. وی بحث کرد که انتظار بنیادین بین افراد غریبه در عرصه‌ی عمومی "بی‌اعتنایی مدنی"<sup>۲</sup> است. این جنبه از نظم عمومی افراد را مطمئن می‌سازد که می‌توانند آزادانه و بدون هیچ‌گونه تهدیدی برای "خود" در مکان‌های عمومی آمد و شد کنند (لنتون و همکاران، ۱۹۹۹). براساس این قاعده افراد ناآشنا در مکانهای عمومی به یکدیگر خیره نمی‌شوند، بلکه ممکن است از دور نگاهی کوتاه به یکدیگر بیاندازند و از کنار هم بگذرند. خیره شدن به یک فرد غریبه یکی از تابوهای فرهنگی کاملاً شناخته شده است. (بومن، ۱۹۹۳).

اما در برخی شرایط این قاعده نقض می‌شود. به عنوان مثال افرادی که "خارج از نقش"<sup>۳</sup> خود عمل می‌کنند به احتمال بیشتر مورد خطاب دیگران قرار می‌گیرند. (لنتون و همکاران، ۱۹۹۹: ۵۱۸). آنچه که مردان را به سوی ایجاد مزاحمت جنسی سوق می‌دهد نیز همین مطلب است که مردان یاد گرفته‌اند که نیازی به رعایت قاعده‌ی بی‌اعتنایی مدنی در مقابل زنان نیست، بنابراین به راحتی آن را نقض می‌کنند و این یکی دیگر از آثار قدرتی است که جامعه به مردان می‌دهد.

## ۲- نظریه‌ی کلیشه‌ها

از میان نظریه‌پردازان این نظریه‌ها می‌توان برگس و بورگیدا<sup>۴</sup> (۱۹۹۹) را نام برد (فرچایلد، ۲۰۰۷). مشهورترین تعریف کلیشه عبارت است از: باورهای مشترک در مورد صفات گروهی از افراد و معمولاً ویژگی‌های شخصیتی یک گروه از مردم، اما اغلب شامل رفتارها نیز می‌شود (لینز و همکاران<sup>۵</sup>، ۱۹۹۴؛ به نقل از گروسی ۱۳۸۴: ۶۸).

روانشناسان کلیشه‌ها را به دو دسته توصیفی<sup>۶</sup> (انتظاراتی که از اعضای یک گروه وجود دارد) و تجویزی<sup>۷</sup> (باورهای درباره‌ی اینکه اعضای یک گروه چگونه باید باشند) تقسیم کرده‌اند. ایدئولوژی‌های جنسیتی<sup>۸</sup> باورهای کلی‌تر تجویزی‌ای هستند که کلیشه‌های جنسیتی<sup>۹</sup> و هم هم چنین عقاید وسیع‌تری را درباره‌ی نقش‌های صحیح مردان و زنان در جامعه دربرمی‌گیرد. (کراس‌بای و همکاران<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۷: ۱۵۹)

<sup>1</sup> - Erving Goffman

<sup>2</sup> - Civil Inattention

<sup>3</sup> - Out of Role

<sup>4</sup> - Burgess & Borgida

<sup>5</sup> - Leyens et al

<sup>6</sup> - Descriptive

<sup>7</sup> - Prescriptive

<sup>8</sup> - Gender ideologies

<sup>9</sup> - Gender stereotypes

<sup>10</sup> - Crosby et al.

بر اساس تبیین‌های این نظریه مزاحمت جنسی در عرصه‌ی عمومی‌زمانی رخ می‌دهد که زنان از مرزهای تعیین شده توسط کلیشه‌ها جنسیتی پا را فراتر بگذارند و خارج از نقش‌های تعیین شده توسط کلیشه‌های توصیفی رفتار کنند، و از حوزه‌ی خصوصی که قلمرو توصیفی آنها است خارج شده و وارد عرصه‌ی عمومی که مردان آن را قلمرو بلامنازع خود می‌شمارند، شوند در این صورت مردان بر اساس کلیشه‌های تجویزی که در ذهن دارند دست به ایجاد مزاحمت جنسی برای زنان می‌زنند تا "باید و نبایدهای" فراموش شده توسط زنان را به آنها یادآوری کنند و آنان را به حوزه‌ی خصوصی و خانگی بازگردانند و به این طریق مزاحمت جنسی تفوق مردان و انفعال زنان را تقویت و تثبیت می‌کند.

### ۳- نظریه‌ی جامعه‌پذیری جنسیتی<sup>۱</sup>

در میان نظریه پردازان معاصر نظریه‌ی جنسیت و جامعه‌پذیری جنسیتی، کار جودیت باتلر<sup>۲</sup> باتلر<sup>۲</sup> نقش محوری دارد. وی در کتاب *دردسر جنسیت*<sup>۳</sup> (۱۹۹۰) این دیدگاه را که تفاوت-تفاوت‌های جنسیتی ریشه در ماهیت زیست‌شناختی و روانشناختی ما دارد رد می‌کند و اذعان می‌دارد که این تفاوت‌ها در اثر اعمال اجتماعی تصادفی به وجود آمده‌اند، بنابراین می‌تواند به گونه‌ای دیگر بازسازی شود (آلسوپ<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲: ۶۴). باتلر پیشنهاد کرده است که جنسیت به طور اجتماعی ساخته می‌شود و تفاوت در شیوه‌ی رفتار زنان و مردان به علت تفاوت در جامعه‌پذیری جنسیتی است.

جامعه‌پذیری به فرایندهایی برمی‌گردد که در خلال آن مردم خودشان را با رفتارهایی که در فرهنگشان مناسب پنداشته می‌شود تطبیق می‌دهند. جامعه‌پذیری معمولاً در رابطه با کودکان به کار می‌رود، کسانی که به تدریج سازگار شدن با رفتار مناسب و قابل پذیرش را در تنوعی از موقعیت‌های اجتماعی گوناگون می‌آموزند، ولی نباید فراموش شود که به راستی جامعه‌پذیری ما هرگز پایان نمی‌پذیرد، حتی به عنوان افرادی بزرگسال رفتار ما همواره به وسیله‌ی فشارها و انتظارات اجتماعی متعادل می‌شود (بار، ۱۳۸۳: ۵۹).

### مدل تجربی تحقیق

همان طور که در شکل ۱ مشاهده می‌شود در مدل تجربی تاثیر متغیرهای اجتماعی و فرهنگی بر مزاحمت خیابانی طراحی شده است. میزان پذیرش هنجارهای جنسیتی نیز به عنوان یک متغیر فرهنگی واسطه‌ای که تحت تاثیر متغیرهای اجتماعی است در مدل

<sup>۱</sup> - Gender socialization

<sup>۲</sup> - Judith Butler

<sup>۳</sup> - Gender Trouble

<sup>۴</sup> - Alsop

گنجانده شده است. نوع پوشش و نوع آرایش نیز به عنوان ۲ شاخص میزان پذیرش هنجارهای جنسیتی به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده‌اند.

### فرضیات تحقیق

- ۱- بین میزان تحصیلات پدر و میزان پذیرش هنجارهای جنسیتی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین میزان تحصیلات مادر و میزان پذیرش هنجارهای جنسیتی رابطه وجود دارد.
- ۳- بین میزان تحصیلات فرد و میزان پذیرش هنجارهای جنسیتی رابطه وجود دارد.
- ۴- بین میزان تحصیلات پدر و میزان تجربه‌ی مزاحمت خیابانی رابطه وجود دارد.
- ۵- بین میزان تحصیلات مادر و میزان تجربه‌ی مزاحمت خیابانی رابطه وجود دارد.
- ۶- بین میزان تحصیلات فرد و میزان تجربه‌ی مزاحمت خیابانی رابطه وجود دارد.
- ۷- بین میزان پذیرش هنجارهای جنسیتی و میزان تجربه‌ی مزاحمت جنسی رابطه وجود دارد.
- ۸- بین نوع پوشش و میزان تجربه‌ی مزاحمت جنسی رابطه وجود دارد.
- ۹- بین نوع آرایش و میزان تجربه‌ی مزاحمت جنسی رابطه وجود دارد.

### روش‌شناسی تحقیق

در این پژوهش از روش کمی، تکنیک پیمایش و ابزار پرسشنامه استفاده شده است. این پیمایش به صورت مقطعی<sup>۱</sup> یعنی در یک نقطه‌ی زمانی خاص انجام گرفته است. در طراحی پرسشنامه از پرسشنامه‌های استاندارد مزاحمت جنسی (فرچایلد، ۲۰۰۷؛ لرد، ۲۰۰۹) و پرسشنامه‌ی استاندارد پذیرش هنجارهای جنسیتی (دویل و پالودی<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸) استفاده شده است. از آلفای کرونباخ به منظور به دست آوردن روایی تحقیق استفاده شده است که آلفای کرونباخ برای طیف میزان تجربه‌ی مزاحمت جنسی در سطح ۰/۹۰ و برای طیف پذیرش هنجارهای جنسیتی در سطح ۰/۷۵ به دست آمده و قابل قبول بود. بر اساس آمار ارائه شده از سوی سیستم اتوماسیون آموزشی و دانشجویی سال ۱۳۸۵ جمعیت دانشجویان دختر دانشگاه شیراز ۱۰۳۱۱ نفر بوده است که جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند. به دلیل وسعت جامعه‌ی آماری و عدم امکان پرسش از تمام افراد باید نمونه‌ی نمایی از جامعه‌ی آماری انتخاب شود که در این تحقیق از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی استفاده گردید. برای تعیین حجم نمونه نیز از فرمول کوکران استفاده شد که در نتیجه تعداد ۳۶۹ نفر به عنوان نمونه برگزیده شدند.

<sup>۱</sup> - Cross-sectional

<sup>۲</sup> - Doyle & Paludi

اطلاعات موجود در پرسشنامه‌ها پس از گردآوری و انتقال به کامپیوتر، با استفاده از بسته‌ی نرم‌افزار آماری برای علوم اجتماعی (SPSS) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل داده‌ها برای تحلیل رابطه‌ی بین متغیرهای مستقل، واسطه‌ای و وابسته به وسیله‌ی تحلیل واریانس، آزمون F و آزمون T و همچنین آزمون ضریب همبستگی پیرسون صورت گرفته است. همچنین آزمون مدل ساختاری تحقیق به وسیله‌ی تحلیل مسیر با استفاده از رگرسیون چند متغیره‌ی گام به گام<sup>۱</sup> صورت گرفته است.

### یافته‌های تحقیق

آمار توصیفی پژوهش حاضر حاکی از این است که از میان ۳۶۹ نفری که به پرسشنامه‌های این تحقیق پاسخ داده‌اند، ۶۴/۵ درصد در مقطع کارشناسی، ۲۶/۶ درصد در مقطع کارشناسی ارشد و ۵/۷ درصد در مقطع دکترا تحصیل می‌کردند، ۸۵/۷٪ مجرد و ۱۳/۸٪ متاهل بودند، ۲۴/۴٪ از پوشش چادریا مانتو بلند و ۷۵/۳٪ از پوشش مانتو معمولی یا کوتاه استفاده می‌کردند، ۱۹/۸٪ بدون آرایش، ۵۰/۹٪ آرایش ملایم، ۲۸/۲٪ آرایش متوسط و ۸٪ آرایش غلیظ داشتند. همچنین سن پاسخگویان بین ۱۸ تا ۳۲ با میانگین ۲۲/۰۸ بوده است.

### آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول: بین میزان تحصیلات پدر و میزان پذیرش هنجارهای جنسیتی رابطه وجود دارد. ضریب همبستگی پیرسون ( $r = -0/12$ ) جهت منفی و رابطه‌ی معکوس بین این دو متغیر را نشان می‌دهد. با توجه به مقدار  $Sig = 0/01$  رابطه معنی‌دار می‌باشد، لذا فرضیه‌ی فوق تایید می‌شود.

فرضیه دوم: بین میزان تحصیلات مادر و میزان پذیرش هنجارهای جنسیتی رابطه وجود دارد. ضریب همبستگی پیرسون ( $r = -0/13$ ) جهت منفی و رابطه‌ی معکوس بین این دو متغیر را نشان می‌دهد. با توجه به مقدار  $Sig = 0/00$  رابطه معنی‌دار می‌باشد، لذا فرضیه‌ی فوق تایید می‌شود.

فرضیه سوم: بین میزان تحصیلات فرد و میزان پذیرش هنجارهای جنسیتی رابطه وجود دارد. ضریب همبستگی پیرسون ( $r = -0/12$ ) جهت منفی و رابطه‌ی معکوس بین این دو متغیر را نشان می‌دهد. با توجه به مقدار  $Sig = 0/01$  رابطه معنی‌دار می‌باشد، لذا فرضیه‌ی فوق تایید می‌شود.

فرضیه چهارم: بین میزان تحصیلات پدر و میزان تجربه‌ی مزاحمت جنسی رابطه وجود دارد.

<sup>1</sup> - Stepwise



ضریب همبستگی پیرسون ( $r = 0/03$ ) جهت مثبت و رابطه‌ی مستقیم بین این دو متغیر را نشان می‌دهد. با توجه به مقدار  $Sig = 0/47$  رابطه معنی‌دار نمی‌باشد، لذا فرضیه‌ی فوق تایید نمی‌شود.

فرضیه پنجم: بین میزان تحصیلات مادر و میزان تجربه‌ی مزاحمت جنسی رابطه وجود دارد. ضریب همبستگی پیرسون ( $r = 0/11$ ) جهت مثبت و رابطه‌ی مستقیم بین این دو متغیر را نشان می‌دهد. با توجه به مقدار  $Sig = 0/03$  رابطه معنی‌دار می‌باشد، لذا فرضیه‌ی فوق تایید می‌شود. فرضیه ششم: بین میزان تحصیلات فرد و میزان تجربه‌ی مزاحمت جنسی رابطه وجود دارد. ضریب همبستگی پیرسون ( $r = -0/05$ ) جهت منفی و رابطه‌ی معکوس بین این دو متغیر را نشان می‌دهد. با توجه به مقدار  $Sig = 0/33$  رابطه معنی‌دار نمی‌باشد، لذا فرضیه‌ی فوق تایید نمی‌شود.

فرضیه هفتم: بین میزان پذیرش هنجارهای جنسیتی و تجربه‌ی مزاحمت جنسی رابطه وجود دارد.

ضریب همبستگی پیرسون ( $r = -0/16$ ) جهت منفی و رابطه‌ی معکوس و مقدار  $Sig = 0/01$  رابطه معنی‌دار بین این دو متغیر را نشان می‌دهد، لذا فرضیه‌ی فوق تایید می‌شود. فرضیه هشتم: بین نوع پوشش و میزان تجربه‌ی مزاحمت جنسی رابطه وجود دارد. بر اساس آمارهای جدول ۵ میانگین تجربه‌ی مزاحمت جنسی پاسخگویان بر حسب نوع پوشش آنها متفاوت است. با توجه به اینکه تفاوت مشاهده شده بین میانگین‌های گروه‌های مختلف از نظر نوع پوشش، در تجربه‌ی مزاحمت جنسی بر اساس آزمون  $F$  با مقدار  $15/41$  و سطح معنی‌داری ( $Sig = 0/00$ )، معنی‌دار می‌باشد، لذا فرضیه‌ی فوق تایید می‌شود. فرضیه نهم: بین نوع آرایش و میزان تجربه‌ی مزاحمت جنسی رابطه وجود دارد. بر اساس جدول شماره ۶، میانگین تجربه‌ی مزاحمت جنسی پاسخگویان بر حسب نوع آرایش آنها متفاوت است. با توجه به اینکه تفاوت مشاهده شده بین میانگین‌های گروه‌های مختلف از نظر نوع آرایش، در تجربه‌ی مزاحمت جنسی بر اساس آزمون  $F$  با مقدار  $19/80$  و سطح معنی‌داری ( $Sig = 0/00$ )، معنی‌دار می‌باشد، لذا فرضیه فوق تایید می‌شود.

### آزمون مدل ساختاری تحقیق

به منظور آزمودن مدل تجربی پژوهش حاضر از تکنیک تحلیل مسیر و روش رگرسیون چند متغیره به شیوه‌ی گام به گام برای محاسبه‌ی ضرایب مسیر استفاده شده است. لازم به ذکر است که ۲ متغیر نوع پوشش و نوع آرایش در سطح اسمی قرار داشتند و برای اینکه بتوان آنها را وارد معادله‌ی رگرسیونی کرد باید به صورت متغیر ساختگی<sup>۱</sup> وارد

تحلیل می‌شدند. متغیرهای نوع پوشش و نوع آرایش که هر کدام ۴ شقی بودند که محقق ابتدا آنها را با آزمون تکمیلی توکی<sup>۱</sup> مورد آزمایش قرار داد تا مشخص شود کدام نوع پوشش و آرایش با هم متفاوت هستند. در مورد نوع پوشش که در پرسشنامه دارای ۴ نوع چادر، مانتو بلند، مانتو معمولی و مانتو کوتاه بود پس از انجام آزمون تکمیلی توکی مشخص شد که از میان این ۴ نوع پوشش، ۲ نوع پوشش چادر و مانتو بلند با هم یکسان هستند و ۲ نوع مانتو معمولی و مانتو کوتاه نیز در یک گروه قرار می‌گیرند. بنابراین متغیر پوشش با دو گروه وارد معادله‌ی رگرسیونی شد. متغیر نوع آرایش نیز دارای ۴ گونه آرایش (بدون آرایش، آرایش ملایم، متوسط و غلیظ) بود که بر اساس نتایج آزمون تکمیلی هر چهار گونه بایکدیگر متفاوت بودند. باین حال به این دلیل که تنها سه نفر از پاسخگویان اظهار داشتند که از آرایش غلیظ استفاده می‌کنند از این نوع آرایش نیز صرف نظر شد و سپس برای ساختن متغیرهای ساختگی گونه‌ی بدون آرایش به عنوان پایه قرار داده شد و ۲ متغیر ساختگی با نام‌های متغیر آرایش ملایم و متغیر آرایش متوسط برای ورود به معادله‌ی رگرسیونی ساخته شد.

### بحث و نتیجه گیری

مزاحمت خیابانی یکی از اشکال آشکار تبعیض جنسیتی است که در اکثر جوامع به غیر از روستاها و محدود جوامعی که زنان اجازه‌ی حضور در اماکن عمومی را ندارند، دیده می‌شود. هدف پژوهش حاضر بررسی تاثیر میزان پذیرش هنجارهای جنسیتی بر میزان تجربه‌ی مزاحمت خیابانی است. برای این منظور نوع پوشش و آرایش زنان به عنوان دو متغیری که تحت تاثیر میزان پذیرش هنجارهای جنسیتی است مورد بررسی قرار گرفت همچنین میزان پذیرش هنجارهای جنسیتی به وسیله‌ی طیف استاندارد پذیرش هنجارهای جنسیتی (دویل و پالودی<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸) سنجیده شد. تحصیلات پدر و مادر و تحصیلات فرد نیز به عنوان متغیرهای اجتماعی که بر میزان تجربه‌ی مزاحمت جنسی تاثیر می‌گذارند مورد بررسی قرار گرفتند.

در این پژوهش ۹ فرضیه مطرح شد که از این تعداد ۷ فرضیه تایید و ۲ فرضیه رد شد. نوع پوشش، نوع آرایش و میزان پذیرش هنجارهای جنسیتی ۳ متغیری بودند که به عنوان متغیرهای فرهنگی موثر بر میزان تجربه‌ی مزاحمت جنسی مورد بررسی قرار گرفتند، که رابطه‌ی هر ۳ متغیر معنی‌دار بود. در مورد متغیر پذیرش هنجارهای جنسیتی همانگونه که پیش از این ذکر شد  $r = -0.16$  است یعنی رابطه‌ی منفی و معکوس بین این متغیر و میزان تجربه‌ی مزاحمت جنسی وجود دارد. در توضیح می‌توان گفت که هر چه زنی کمتر به

<sup>1</sup> - Tukey

<sup>2</sup> - Doyle & Paludi

هنجارهای جنسیتی پاییند باشد، کمتر مطابق کلیشه‌های جنسیتی رفتار می‌کند و در نتیجه مزاحمت‌های جنسی بیشتری را در عرصه‌ی عمومی تجربه می‌کند. این یافته در راستای نظریه‌ی کلیشه‌ها و هم‌چنین نظریه‌ی کنش متقابل است. معنی‌دار بودن رابطه‌ی متغیرهای نوع پوشش ( $F=15/41, sig=0/00$ ) و نوع آرایش ( $F=19/80, sig=0/00$ ) با میزان تجربه‌ی مزاحمت جنسی با نظریه‌ی کلیشه‌ها و نظریه‌ی کنش متقابل قابل توجیه است. بر اساس قوانین و هنجارهای جامعه‌ی ما زنان باید بدون آرایش و با پوشش سر و روپوش بلند و گشاد در مکان‌های عمومی حاضر شوند. براساس یافته‌های این پژوهش هر چه زنان بیشتر از این هنجارها فاصله بگیرند مزاحمت‌های بیشتری را تجربه می‌کنند. توضیح این‌که بر اساس کلیشه‌های جنسیتی در جامعه‌ی ما پوشش چادر نشانه‌ی وقار و متانت است و بنابراین زنان هر چه از پوشش چادر فاصله بگیرند و به سمت پوشش‌های کوتاه‌تر بروند، براساس کلیشه‌های جنسیتی، بیشتر از این دایره‌ی وقار و متانت دور می‌شوند و به تعبیر گافمن (۱۹۶۳، به نقل از بومن: ۱۹۹۳) در “گروه باز” قرار می‌گیرند. به این ترتیب مردها احساس می‌کنند که نیازی به رعایت آداب معاشرت و قواعد بی‌اعتنایی مدنی در مقابل این افراد نیست چرا که کلیشه‌های جنسیتی آنان را پذیرا و مستحق این نوع مزاحمت‌ها در عرصه‌ی عمومی می‌داند.

این در حالی است که پذیرش هنجارهای جنسیتی با تحصیلات پدر ( $r=-0/12, sig=0/01$ )، تحصیلات مادر ( $r=-0/13, sig=0/00$ ) و همچنین تحصیلات فرد ( $r=-0/12, sig=0/01$ ) رابطه‌ی معکوس و معنی‌دار دارد به این معنا که هر چه بر میزان تحصیلات فرد و والدین او افزوده می‌شود از میزان اعتقاد وی به هنجارهای جنسیتی کاسته می‌گردد. توضیح می‌تواند این باشد که با بالا رفتن تحصیلات فرد و والدین وی آگاهی او از تبعیض‌آمیز بودن این هنجارها بالاتر می‌رود و در نتیجه از میزان پذیرش او نسبت به هنجارهای جنسیتی کاسته می‌شود. این یافته در راستای نظریه‌ی جامعه‌پذیری جنسیتی قرار دارد و بخشی از اظهارات بار (۱۳۸۳:۶۵) مبنی بر اینکه رفتار مناسب جنسی اغلب به گونه‌ای مستقیم و غیر مستقیم توسط والدین، آموزگاران و همسالان مورد تشویق قرار می‌گیرد را تایید می‌کند

نتایج رگرسیون گام به گام در تحلیل مسیر نشان می‌دهد که از بین تمام متغیرهای مستقل و واسطه‌ای موجود در مدل متغیرهای نوع پوشش ( $Beta=0/25$ )، آرایش متوسط ( $Beta=0/25$ ) و آرایش ملایم ( $Beta=0/14$ ) به طور مستقیم بر متغیر میزان تجربه‌ی مزاحمت جنسی تاثیر دارند که از میان آنها قوی‌ترین مسیر متعلق به متغیر نوع پوشش است. با توجه به مقدار  $R^2=0/14$  مدل پژوهش حاضر ۱۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی میزان تجربه‌ی مزاحمت جنسی را تبیین می‌کند. لازم به ذکر است که متغیر واسطه‌ای میزان پذیرش هنجارهای جنسیتی که در این پژوهش از اهمیت بالایی برخوردار

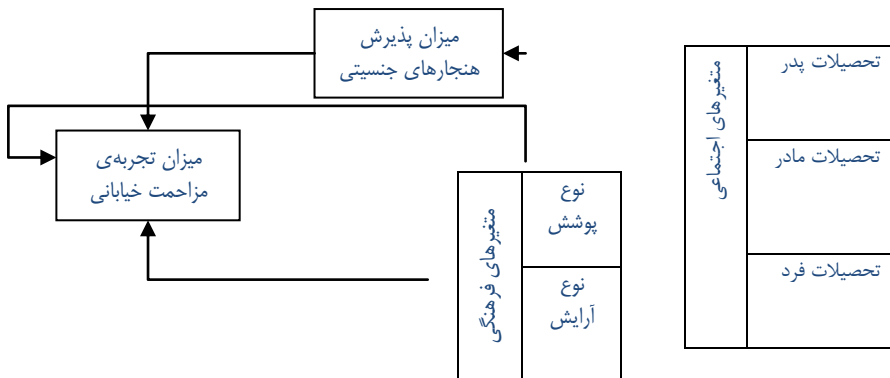
است به این دلیل از مدل تحلیل مسیر خارج شده است که با متغیر نوع پوشش همبستگی نسبتاً قوی ( $r = -0/30$ ) و در نتیجه هم‌پوشانی دارد، به گونه‌ای که اگر متغیر نوع پوشش را وارد معادله رگرسیون گام به گام نکنیم، متغیر میزان پذیرش هنجارهای جنسیتی با وزن  $Beta = -0/11$  وارد معادله می‌شود.

با توجه به یافته‌های این تحقیق به رغم تصور غالب در جامعه که بیش از همه زنان را در زمینه‌ی آزارهای خیابانی مقصر می‌دانند نوع پوشش، نوع آرایش و میزان پذیرش هنجارهای جنسیتی که تعیین‌کننده‌ی رفتار زنان در عرصه‌ی عمومی است تنها ۱۴ درصد از مزاحمت خیابانی را تبیین می‌کند، بنابراین دلیل ۸۶ درصد از این آزارها را باید در جایی دیگر جستجو کرد. بنابراین پژوهش حاضر پیشنهاد می‌کند به جای برخوردهای قهری و اجباری با زنان برای تنظیم نوع پوشش و آرایش آنان، به منظور از بین بردن مفاسد اجتماعی نهادهای فرهنگ‌ساز برای کم‌رنگ کردن کلیشه‌های جنسیتی و ارتقا سطح حرمت و عزت آنان در جامعه تلاش کنند، چرا که این برخوردها تنها جامعه را به یک محیط خصمانه‌ی بزرگ تبدیل می‌کنند و نمی‌توانند تاثیر عمیق و واقعی فرهنگ جامعه داشته باشند.

در نهایت با توجه به این که بیشتر مطالعات در زمینه‌ی مزاحمت‌های جنسی بر روی زنان صورت گرفته است و از آنجا که در بحث مزاحمت‌های جنسی زنان قربانی و مردان عامل و فاعل مزاحمت هستند برای مطالعه‌ی دلایل مزاحمت جنسی در عرصه‌ی عمومی پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی نمونه‌ی مورد مطالعه از جمعیت مردان انتخاب شوند.

مدل‌ها

شکل ۱: مدل تجربی تحقیق



جدول ۱: آزمون همبستگی پیرسون متغیر میزان تحصیلات پدر و میزان پذیرش هنجارهای جنسیتی

نام متغیر	r	sig	N
تحصیلات پدر	-.۰/۱۲	۰/۰۱	۳۵۵

جدول ۲: آزمون همبستگی پیرسون متغیر میزان تحصیلات مادر و میزان پذیرش هنجارهای جنسیتی

نام متغیر	r	sig	N
تحصیلات مادر	-.۰/۱۳	۰/۰۰	۳۵۸

جدول ۳: آزمون همبستگی پیرسون متغیر تحصیلات و میزان پذیرش هنجارهای جنسیتی

نام متغیر	R	sig	N
تحصیلات	-.۰/۱۲	۰/۰۱	۳۵۵

جدول ۴: آزمون همبستگی پیرسون متغیر میزان تحصیلات پدر و میزان تجربه‌ی مزاحمت جنسی

نام متغیر	r	sig	N
تحصیلات پدر	۰/۰۳	۰/۴۷	۳۴۲

جدول ۵: آزمون همبستگی پیرسون متغیر میزان تحصیلات مادر و میزان تجربه‌ی مزاحمت جنسی

نام متغیر	r	sig	N
تحصیلات مادر	۰/۱۱	۰/۰۳	۳۴۴

جدول ۶: آزمون همبستگی پیرسون متغیر تحصیلات و میزان تجربه‌ی مزاحمت جنسی

نام متغیر	R	sig	N
تحصیلات	-.۰/۰۵	۰/۳۳	۳۴۲

جدول ۷: آزمون همبستگی پیرسون متغیر میزان پذیرش هنجارهای جنسیتی و میزان تجربه مزاحمت جنسی

نام متغیر	r	sig	N
پذیرش هنجارهای جنسیتی	-.۰/۱۶	۰/۰۰	۳۵۲

جدول ۸: آزمون تفاوت تجربه‌ی مزاحمت جنسی بر حسب نوع پوشش پاسخگویان

نوع پوشش	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	F مقدار	DF	سطح معنی‌داری
چادر	۸۰	۲۶/۹۵	۷/۹۳	۱۵/۴۱	۳۴۹	۰/۰۰
مانتو بلند	۷	۲۸/۷۱	۸/۴۷			
مانتو معمولی	۲۵۰	۳۳/۳۳	۸/۱۶			
مانتو تنگ و کوتاه	۱۶	۳۷/۵۶	۸/۳۹			

جدول ۹: آزمون تفاوت تجربه مزاحمت جنسی بر حسب نوع آرایش پاسخگویان

نوع آرایش	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	F مقدار	DF	سطح معنی‌داری
بدون آرایش	۷۰	۲۷/۰۷	۸/۰۸	۱۹/۸۰	۳۴۹	۰/۰۰
آرایش ملایم	۱۸۱	۳۱/۷۶	۸/۲۳			
آرایش متوسط	۹۹	۳۵/۳۰	۷/۵۵			
آرایش غلیظ	۳	۵۰/۳۳	۳/۰۵			

جدول ۱۰: رگرسیون چند متغیره‌ی گام به گام برای بررسی تاثیر همزمان متغیرهای مستقل و واسطه‌ای بر میزان تجربه‌ی مزاحمت خیابانی

مرحله	نام متغیرها	B	Beta	مقدار T	Sig	R2
۱	نوع پوشش	۵/۰۲	۰/۲۵	۴/۷۰	۰/۰۰	۰/۱۰
۲	آرایش متوسط	۴/۹۵	۰/۲۵	۳/۷۱	۰/۰۰	۰/۱۲
۳	آرایش ملایم	۲/۴۲	۰/۱۴	۲/۱۱	۰/۰۳	۰/۱۴

## منابع فارسی:

- بار، ویون (۱۳۸۳). جنسیت و روانشناسی اجتماعی. ترجمه‌ی حبیب احمدی و بیتا شایق، شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- گروسی، سعیده (۱۳۸۴). بررسی تاثیر باورهای قالبی بر نابرابری جنسیتی: مورد مطالعه شهر کرمان و روستاهای پیرامون آن، رساله‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز.
- ذکایی، سعید (۱۳۸۴). "مزاحمت جنسی برای زنان در محیط‌های مختلف". آرشو سازمان ملی جوانان تهران.

## منابع انگلیسی:

- Alsop, R., A. Fitsimon, & K. Lennon (2002). *Theorizing Gender*. U.S.A: Blackwell Publishers, Inc.
- Bowman, C. G. (1993). "Street harassment and the informal ghettoization of women", *Harvard Law Review*, Vol. 106, No. 3, pp: 517-580.
- Creswell, J.W. (2007). *Research Design Qualitative, Quantitative and Mixed Methods Approaches*. U.S.A: Sage Publication, Inc.
- Crosby, F. J., M. S. Stockdale & S. A. Ropp (2007). *Sex discrimination in the workplace*. Australia: Blackwell Publishing.
- Doyle, J. A & M. A. Paludi (1998). *Sex and gender. The human experience*. Bostone: Mc Graw Hill.
- Fairchild, K. M. (2007). *Everyday stranger harassment: Frequency and consequences*. A Dissertation for the Degree of Doctor of Philosophy, New Brunswick University of New Jersey.
- Fairchild, K. M. & L. A. Rudman (2008). "Everyday stranger harassment and women's objectification". *Soc Just Res*, 21, pp: 338-357.
- Lenton, R., M. D. Smith, J. Fox & N. Morra (1999). "Sexual harassment in public places: Experiences of Canadian women", *CRSA/RCSA*, 36.4.
- Lynn Lord, T. (2009). *The relationship of gender-based public harassment to body image, self-esteem, and avoidance behavior*. A Dissertation for the Degree of Doctor of Psychology, Indiana University of Pennsylvania.
- MacMillan, R., A. Nierobisz & S. Welsh (2000). "Experiencing the streets: Harassment and perception of safety among women". *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 37, 306.
- Parish, W. L., A. Das & E. O. Laumann (2006). "Sexual harassment of women in urban China", *Arch Sex Behave*, 35, pp: 411-425.
- Sigal, J. & H. Jacobsen (1999). "A cross-cultural exploration of factors affecting reactions to sexual harassment: Attitudes and policies". *Psychology, Public Policy and Law*, Vol. 5, No. 3, pp: 760-785.